

ثبات و امنیت اقتصادی؛ پرتویی از اقتصاد مقاومتی

m_khalil411@yahoo.com

محمد جمال خلیلیان اشکذری / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدحسین دوستی / کارشناس ارشد اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۲

دریافت: ۹۷/۰۷/۱۶

چکیده

ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی با تحقق اقتصاد مقاومتی، مستلزم شناسایی زمینه‌ها و نقاط آسیب‌زا و همچنین ارائه راه‌حل برای برطرف کردن آن است. این مقاله با روش تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که از دیدگاه اقتصاد مقاومتی، چه عواملی باعث آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از جهت ثبات و امنیت آن می‌شود؟ و چگونه می‌توان آسیب‌پذیری مذکور را کاهش داد؟ این تحقیق در صدد اثبات آن است که اسلام رویکرد خاصی نسبت به ثبات و امنیت اقتصادی و چگونگی رفع آسیب‌های آن دارد که در پاره‌ای از موارد متمایز از رویکرد اقتصاد متعارف می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش، گسترش فرهنگ و سبک زندگی اقتصادی مبتنی بر مصرف‌گرایی، تولید غیرنافع و همچنین بی‌توجهی به حقوق فقرا در اموال اغنیا، موجب آسیب‌پذیری اقتصاد جامعه از جهت ثبات و امنیت می‌شود. در مقابل، رواج سبک زندگی اقتصادی اسلامی، اصلاح قوانین و اصلاح ساختارهای اقتصادی، موجب تحکیم امنیت و ثبات اقتصادی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، ثبات اقتصادی، امنیت اقتصادی، آسیب‌پذیری اقتصادی.

مقدمه

در نظام اقتصادی اسلام، در کنار توجه به اهمیت رشد اقتصادی و عدالت، به هدف محوری استحکام و امنیت اقتصادی نیز توجه شده است. ثبات و امنیت اقتصادی از آن رو اهمیت دارد که بدون آن، نه امکان رشد وجود دارد و نه امکان اجرای عدالت. بدون شک دستیابی به رونق اقتصادی و رفاه نسبی، زمانی ممکن است که فضایی امن برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم شود. لذا در رویکرد اسلامی، هر چند ارزش عدالت فراتر از ارزش رشد و امنیت است، اما امنیت تقدم رتبی بر آن دو دارد. توجه به امنیت، از آن جهت حائز اهمیت است که بدون تحقق آن عملاً دستیابی به هدف عدالت و رشد اقتصادی امکان‌پذیر نیست. بنابراین تحقق رشد و عدالت اقتصادی بدون در نظر گرفتن امنیت اقتصادی صورت نمی‌گیرد. همان‌گونه که تقویت امنیت اقتصادی باعث تسریع رشد اقتصادی و تقویت عدالت می‌شود، رشد مداوم اقتصادی و عدالت اقتصادی نیز باعث تقویت امنیت و ثبات اقتصادی می‌شود.

مقاوم کردن اقتصاد در مقابل تلاطم‌ها و بحران‌هایی که از خارج اقتصاد بر آن تحمیل می‌شود یا حتی بحران‌هایی که از درون اقتصاد ممکن است شکل گیرد، مسئله‌ای است که در علم اقتصاد متعارف نیز بدان پرداخته شده است (عبدالملکی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۱). بنابراین می‌توان گفت شکل‌گیری پیشینه اقتصاد تاب‌آوری در اقتصاد متعارف، ناشی از توجه اقتصاددانان به اهمیت امنیت و ثبات اقتصادی در کنار رشد و عدالت اقتصادی است.

نکته مهم در تحلیل ثبات و امنیت اقتصادی، چگونگی تعریف آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی و همچنین راه‌حل‌های پیشنهادی ایمن‌ساز است. هنگامی که آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی از دیدگاه اقتصاد متعارف صورت می‌گیرد، ادبیات «اقتصاد تاب‌آوری» به‌وجود می‌آید. در مقابل، زمانی که آسیب‌پذیری از منظر اقتصاد اسلامی صورت می‌گیرد و راه‌حل‌های برگرفته از مکتب اقتصادی اسلام ارائه می‌شود، ادبیات «اقتصاد مقاومتی» شکل می‌گیرد.

در این تحقیق سعی می‌شود با استفاده از روش تحلیلی، شکنندگی‌های اقتصاد کشور، با استفاده از وضعیت موجود و تجارب دیگر کشورها شناسایی شود و با توجه به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، راهبردهایی برای رفع آن بیان شود.

پیشینه تحقیق

با توجه به مطرح شدن موضوع اقتصاد مقاومتی در چند سال اخیر توسط مقام معظم رهبری، مطالعات زیادی در این زمینه صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

پیغامی و همکاران (۱۳۹۴ الف) در سلسله مجلدات کتاب *جستارهایی در اقتصاد مقاومتی* به تحریم‌های اقتصادی، مبانی، ابعاد و راهکارهای آن پرداخته است. وی در این کتاب، راهکارهای کلان و خرد اجرایی جهت مدیریت تحریم‌ها را بررسی و آنها را به سه دسته عمومی، مالی و بازرگانی تقسیم کرده است.

ایشان کتاب دیگری در راستای «جستارهایی در اقتصاد مقاومتی» با عنوان *مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف؛ مبادی علمی و نظری* (پیغامی و همکاران، ۱۳۹۴ ب) نگاشته‌اند. وی در این کتاب به مفاهیم تاب‌آوری و آسیب‌پذیری می‌پردازد و ابعاد و شاخص‌هایی را برای آن دو ذکر می‌کند.

سیلو (۱۳۹۳) به روش تحلیل محتوا به دنبال این فرضیه است که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی متناظر با مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» در اقتصاد متعارف است که به مقاوم‌سازی فعالانه اقتصاد توجه دارد. یافته‌های پژوهش مذکور نشان می‌دهد راهبرد اقتصاد مقاومتی، زمانی مترادف مقاوم‌سازی اقتصاد است که مقاوم‌سازی اقتصادی از مفهوم انفعالی خود فراتر رود و ابعاد دیگری شامل اصلاحات اقتصادی، جذب یا مقابله با شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری را نیز دربرگیرد.

سیف (۱۳۹۱) در مقاله خود، به روش تحلیلی - توصیفی بیان می‌کند که در مورد اقتصاد مقاومتی تعبیرهای مختلفی رایج شده است. وی با استفاده از اصطلاح فنریت اقتصادی، مفهوم اقتصاد مقاومتی را تبیین کرده و به ارائه الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران با مؤلفه‌های رشد، عدالت، ثبات و فنریت اقتصادی پرداخته است.

در زمینه ثبات و امنیت اقتصادی نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. برای نمونه:

تقی‌زاده (۱۳۶۶) نشان می‌دهد کشور ژاپن چگونه با فقر منابع

ایجاد فضای امن اقتصادی ایفا می‌کنند.

نوآوری مقاله حاضر نسبت به آثار پیشین، تکیه بر مشخصه‌ها و راهبردهای اقتصاد مقاومتی جهت تحقق ثبات و امنیت اقتصادی است که از این منظر در آثار یادشده توجهی به موضوع نبوده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی الگویی عملیاتی از اقتصاد اسلامی است که در آن آسیب‌ناپذیری، استحکام و امنیت نظام اقتصادی به‌عنوان هدفی محوری مورد توجه قرار می‌گیرد. این الگو برای مقابله با آسیب‌پذیری‌های درونی و بیرونی اقتصادی و تقویت انعطاف‌پذیری و مقاومت نظام اقتصادی ارائه می‌شود. هرچند ارائه چنین الگویی و ضرورت تحقق آن، در شرایط تحریم اقتصادی به‌شدت احساس می‌شود، اقتصاد مقاومتی طرحی بلندمدت برای کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، حتی در صورت نبود تحریم یا شوک‌های اقتصادی برون‌زاست. بنابراین اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک اندیشه اسلامی، ناظر به تجزیه و تحلیل آسیب‌پذیری‌های اقتصاد و ترفندهای ایمن‌ساز در رویکرد اسلامی است (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۴۵). به بیان دیگر، اقتصاد مقاومتی، متضمن آسیب‌شناسی اقتصادی در چارچوب اندیشه اقتصاد اسلامی با توجه به شرایط کشور و ارائه راه‌حل مبتنی بر آن است. از این‌رو، اقتصاد مقاومتی بر پایه دو مؤلفه تشخیص آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی و ارائه راهبردهای ایمن‌ساز در چارچوب اندیشه اسلامی استوار است.

۱-۲. ثبات اقتصادی

اقتصادی باثبات است که آسیب‌پذیری خود را در برابر شوک‌های داخلی و خارجی حداقل سازد و بتواند راه را برای یک رشد اقتصادی باثبات باز نماید (پیغامی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲۷). در این تحقیق به مفهوم عام ثبات، یعنی ثبات در برابر شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی نظر داریم؛ یعنی علاوه بر مباحث ثبات اقتصادی در اقتصاد کلان، که صرفاً به مسئله ثبات در نرخ رشد و عدم نوسان در نرخ‌های بیکاری و تورم می‌پردازد، به چگونگی آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از شوک‌ها و بحران‌های اقتصادی نیز توجه می‌شود.

طبیعی و جمعیت زیاد و تحمیل انواع قراردادهای غیرعادلانه تجاری از طرف غرب و شرق به این کشور در قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، توانسته است ده درصد ظرفیت اقتصاد جهانی را در اختیار بگیرد. وی ظهور این پدیده را به دلیل وجود بستر فرهنگ اقتصاد تولیدی متکی به اصول چهارگانه اندیشه و سیاست‌های اقتصادی «واردات مواد خام از خارج»، «تولید کالا در وطن»، «مصرف کالای وطنی» و «صادرات کالای وطنی»، اندیشه دائم به «تأمین امنیت اقتصادی»، «حمایت از صنایع و بازار داخلی»، «تحمل همه مشقات و کمبودها به‌منظور کسب برتری نسبی در بلندمدت»، «تطابق سطح و الگوی مصرف داخلی با تولیدات و امکانات داخلی، نه با تولیدات جهانی» (بجز کالای سرمایه‌ای با فناوری پیشرفته)، «تجارت به معنای ترویج و توزیع کالای تولیدشده در محل، نه دلالی بیگانه» عنوان کرده است. زارعشاهی (۱۳۷۹)، در مقاله «بی‌ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی؛ و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران»، به رابطه بین ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی اشاره دارد و اینکه، وجود ثبات سیاسی مقدمه ضروری و لازم برای نیل به امنیت اقتصادی است. برای تبیین این ارتباط و کاربردی نمودن آن، مؤلف از اصطلاح ریسک ملی استفاده می‌نماید که چهار گونه ریسک (سیاسی، سیاست‌گذاری اقتصادی، ساختار اقتصادی و نقدینگی) را شامل می‌شود. تحلیل آمارهای مربوط به شاخص‌های چهارگانه فوق در گستره جهانی، حکایت از بالا بودن رقم ریسک ملی در جمهوری اسلامی ایران دارد که دال بر کاهش ضریب امنیت اقتصادی است.

عزتی و دهقان (۱۳۸۷)، در کتابی تحت عنوان *امنیت اقتصادی*

در ایران، ضمن بررسی ادبیات علمی امنیت، به تحلیل آثار متقابل امنیت اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته‌اند. آنها همچنین رابطه سرمایه‌گذاری و متغیرهای تولید، درون‌بخشی، پولی، نرخ ارز و تعادل در تجارت خارجی را همراه با دیدگاه‌های صاحب‌نظران پیرامون امنیت اقتصادی بررسی نموده و عنوان کرده‌اند که حصول امنیت اقتصادی در گرو تقویت نهادهای کارآمد و مؤثر است. آنها عنوان نموده‌اند که بازار پول به‌عنوان بازار مالی، نقش بسیار زیادی در ایجاد بسترهای لازم برای تقویت امنیت اقتصادی ایفا می‌کند و یکی از ابزارهای ارتقای کارایی این بازارها نیز تقویت نظارت مالی است و البته نهادهای قضایی نیز نقش بسیار مهمی در

۱-۳. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی بخشی از امنیت ملی یا امنیت فراگیر است. امنیت ملی شامل ابعاد گوناگونی همچون امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود. در این میان، امنیت اقتصادی جایگاه مهمی در تأمین امنیت ملی دارد و بر سایر ابعاد امنیت اثرگذار است. تقویت امنیت اقتصادی می‌تواند موجب تقویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شود و همچنین از تقویت آنها اثر بگیرد. تعاریف و برداشت‌های متفاوتی از امنیت اقتصادی ارائه شده است. بنا به یک تعریف، امنیت اقتصادی را می‌توان شرایط و وضعیت عینی و ذهنی دانست که در آن امکان بسط و توسعه ارزش‌ها و منافع اقتصادی در تقابل و تعامل با عوامل و شرایط محیطی (تهدیدات، آسیب‌ها، و فرصت‌ها) وجود داشته باشد. بر اساس این برداشت، امنیت اقتصادی به معنای وجود و برقراری تعادل، ثبات و آرامش در عرصه‌های اقتصادی خواهد بود. در شرایط برقراری امنیت اقتصادی، فعالان اقتصادی، اعم از تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و صاحبان عوامل تولید می‌توانند برنامه منظم و بلندمدتشان را برای اهداف خود و سیستم دنبال کنند (میرمحمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۷).

۲. آسیب‌پذیری‌های ثبات و امنیت، از منظر اقتصاد مقاومتی

یکی از پیش‌شرط‌های ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی، شناسایی نقاط آسیب‌زاست. شناسایی این نقاط و چگونگی اثرگذاری آنها، زمینه طراحی سیاست‌های مناسب برای کاستن این آسیب‌پذیری‌ها را فراهم می‌آورد. توجه مکاتب اقتصادی به نوع آسیب‌پذیری‌های اقتصاد، با هم متفاوت است. برای نمونه، در بینش اقتصاد سرمایه‌داری، پیگیری نفع شخصی به‌عنوان موتور محرک رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود؛ اما در بینش اسلامی، هدف قرار گرفتن نفع شخصی و نیازدگی به‌عنوان یکی از نقاط آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود. در این چارچوب، اگر تمایلات خودخواهانه به واسطه گرایش‌های اخلاقی و همچنین نظارت همگانی و دولتی کنترل نشود، موجب بروز مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیاری می‌شود.

در الگوی اقتصاد مقاومتی، آسیب‌های درونی در مقایسه با آسیب‌های بیرونی از درجه اهمیت بالایی برخوردارند. آسیب‌های

درونی شامل فرهنگ، قوانین، ساختارهای اقتصادی و سبک زندگی اقتصادی می‌شوند.

۲-۱. آسیب‌های فرهنگی

توجه به اثرگذاری فرهنگ بر رفتار اقتصادی، به تبع عملکرد اقتصاد کلان جامعه، زمینه توجه به آسیب‌پذیری‌های فرهنگ اقتصادی را فراهم می‌کند. *آمارتیا سن*، فرهنگ اقتصادی را متغیری برون‌زا می‌داند که موجب بسط ظرفیت‌ها و کارکردهای انسانی می‌شود و به تقویت ثبات در اقتصاد کمک می‌کند (سن، ۱۳۸۷، ص ۴۳). البته فرهنگ اقتصادی می‌تواند کارکردی معکوس داشته باشد؛ برای مثال، رواج فرهنگ تجمل‌گرایی باعث سوق یافتن بخشی از امکانات جامعه به سمت کالاهای لوکس و هدر رفتن منابع جامعه می‌شود (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۶۴).

فرهنگ اقتصادی به طور عمده متأثر از دو مقوله باورها و ارزش‌های جمعی رایج در جامعه است. باورها بعد بینشی و ارزش‌ها بعد گرایشی فرهنگ اقتصادی را تشکیل می‌دهند. فرهنگ اقتصادی مطلوب زمانی شکل می‌گیرد که عقاید، اندیشه‌ها و ارزش‌های اسلامی در جامعه رواج یابد (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲). در رویکرد اسلامی، فرهنگ اقتصادی تکثیری که متضمن خرده‌فرهنگ‌های دنیادوستی، خودخواهی، تجمل‌گرایی، عافیت‌طلبی و ثروت‌اندوزی است، زمینه آسیب‌پذیری اقتصادی را فراهم می‌کند. بنابراین، آسیب‌های فرهنگ اقتصادی را می‌توان مشتمل بر: آسیب‌های عمومی فرهنگ اقتصادی (دنیادوستی و خودخواهی)، آسیب‌های فرهنگ مصرفی (تجمل‌گرایی)، آسیب‌های فرهنگ تولیدی (عافیت‌طلبی و کسب روزی غیرطیب) و آسیب‌های فرهنگ توزیعی (ثروت‌اندوزی و عدم انفاق) دانست.

گسترش مصرف‌گرایی موجب تبدیل شدن ثروت به ارزش، احساس محرومیت در جامعه و ترویج مدگرایی، اتراف، بی‌ثباتی اقتصادی و فقدان کارایی در استفاده از منابع می‌شود.

۲-۲. وابستگی اقتصادی

وابستگی اقتصادی جدی‌ترین عامل تهدید ثبات و امنیت کشور است؛ زیرا دیگر وابستگی‌ها، اعم از سیاسی، فرهنگی، نظامی و اجتماعی را تشدید می‌کند. وابستگی اقتصادی محوری‌ترین مؤلفه

است. در اقتصاد دولتی ایران، بخش زیادی از بودجه جاری کشور، از درآمد انفال، از جمله نفت تأمین می‌شود و این درآمدها به جای اختصاص به کارهای عمرانی، در مسیر تأمین هزینه‌های سنگین دولت - که در بسیاری از موارد ناکارآمد است - عمل می‌شود (رنانی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۱).

۲-۴. فساد اقتصادی و عدم شفافیت اطلاعاتی

فساد اقتصادی یکی از عوامل آسیب‌زا در هر نظام اقتصادی است. فساد اقتصادی نه تنها موجب افزایش تبعیض و بی‌عدالتی می‌شود، بلکه به کاهش کارایی اقتصادی نیز منجر می‌شود. فساد اقتصادی مانع رشد رقابت سالم و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت داخلی و خارجی می‌گردد و مانع از تحقق پیشرفت اقتصادی پایدار می‌شود (رفعی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۴۹).

نبود شفافیت اطلاعات اقتصادی نیز، علاوه بر ایجاد فساد و رانت، سبب عدم توزیع بهینه منابع، عدم احصای درآمدهای ملی، افزایش فرار مالیاتی و ایجاد مشکل در برنامه‌ریزی نهادهای حاکمیتی در سطح کلان می‌شود؛ برای نمونه، فقدان شفافیت باعث افزایش فرار مالیاتی و عدم توانایی دولت برای هدایت منابع مالی از بازارهایی همچون ارز و طلا به سمت تولید با استفاده از سیاست‌های مالیاتی است. همین مشکل در حوزه کنترل ارز وجود دارد. در حوزه بانکی نیز فقدان شفافیت و به تبع آن ضعف نظارت بانک مرکزی، مشکلات زیادی را مانند افزایش حجم معوقات بانکی و انحراف منابع بانکی به سمت فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی به دنبال داشته است (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۷۶).

۲-۵. بوروکراسی کند اداری

افزایش بوروکراسی‌های اداری، به‌ویژه در بخش اقتصادی و دولتی منجر به کاهش بهره‌وری و به تبع، کاهش ثبات اقتصادی و افزایش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی می‌شود. این آسیب‌ها در نظام اداری ایران در زمره موانع اساسی رشد و پیشرفت کشور است. نظام اداری موجود در ایران به علت وجود ضعف‌های اداری و ساختاری گسترده و عمیق، کارآمدی لازم را ندارد و مانعی بزرگ در راه پیشرفت کشور محسوب می‌شود. نظام بوروکراسی در ایران مشکلاتی همچون وجود مقررات دست‌وپاگیر، بی‌توجهی به احتیاجات واقعی جامعه و ارباب رجوع، نبود مقررات روشن، انجام دادن کارهای مشابه به‌وسیله نهادهای مختلف، پیچیده بودن سیستم‌ها و روش‌های عملیاتی و وجود رابطه‌گرایی و باندبازی دارد (کاظمی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۷).

امنیت ملی را که همانا استقلال ملی است، تحدید و تضییق می‌کند و شرایط را برای اعمال سلطه، تحکیم رابطه هژمونیک بیگانگان و پیروی ناگزیر فرودستان از اهداف و منافع قدرت‌های فرادست تحکیم می‌بخشد. باید یادآور شد که اشاره به پیامدهای تهدیدزای وابستگی اقتصادی به‌منزله نفی واقعیت و حتی ضرورت وابستگی متقابل در جهان کنونی نیست که بی‌گمان، آثار و نتایج مطلوبی برای طرف‌های رابطه خواهد داشت؛ بلکه وابستگی یک‌جانبه، حاکمیت رابطه فرادستی - فرودستی است که اسارت همیشگی ملت‌ها و دولت‌های وابسته را موجب می‌شود و به تسری و تکثیر حلقه‌های وابستگی و تخریب بنیادهای ثبات و امنیت کشور می‌انجامد (کریمی‌مله و بابایی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۵).

۲-۳. قوانین اقتصادی ناکارآمد و ناعادلانه

فقدان قوانین اقتصادی کارآمد یا نقصان قوانین اقتصادی نیز می‌تواند موجب آسیب‌پذیری ثبات و امنیت اقتصادی شود. همان‌گونه که وجود خلأ قانونی موجب آسیب‌پذیری نظام اقتصادی می‌شود، کثرت قوانین اقتصادی، منقح نبودن این قوانین، عدم ثبات قوانین و همچنین عدم اجرای کامل قوانین نیز آسیب‌زاست (غنی‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۰). تصویب مکرر قوانین، اصلاح پی‌درپی قوانین موجود و تصویب الحاقیه‌های متعدد به قوانین، که از آن با عنوان تورم قانون‌گذاری یاد می‌شود، موجب خدشه‌دار شدن امنیت حقوقی می‌شود (مالمیری، ۱۳۹۳، ص ۱). منقح و روشن نبودن قوانین نیز موجب مبهم شدن مسئولیت‌های افراد و ایجاد امکان سوءاستفاده از خلأهای قانونی می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴). در میان قوانین اقتصادی، قوانین ناظر به حقوق مالکیت، از اهمیت زیادی برخوردار است. تعریف دقیق حقوق مالکیت در قوانین اقتصادی و حمایت از آن موجب ایجاد ثبات و اطمینان در فعالان اقتصادی، افزایش بازده سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش نرخ پس‌انداز و تشکیل سرمایه، و تحقق عدالت اقتصادی می‌شود (دلیری، ۱۳۹۲، ص ۸). اسلام با معرفی دقیق سه حوزه مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی سعی در شفاف کردن حقوق مالکیت و تضمین آن در خدمت منافع عمومی دارد.

در اقتصاد ایران عدم تعریف دقیق قلمرو مالکیت فردی، عمومی و دولتی و ابهام در تعیین چگونگی مصرف منابع حاصل از اموال عمومی و دولتی، باعث اتلاف گسترده این ثروت‌های عمومی شده

۲-۶. واردات بی‌رویه و رواج روحیه مصرف‌زدگی

رواج روحیه مصرف‌گرایی و واردات بی‌رویه کالاهای غیرضروری و تجملی خارجی، به طور مستقیم ثبات و امنیت اقتصادی را تهدید می‌کند؛ در واقع، پیامدهای آن عبارت‌اند از: هرز رفتن نامعقول سرمایه‌های ارزی کشور، افت انگیزه نیروهای مولد داخلی، عدم اهتمام به سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی، و در نهایت، استمرار و پیچیده‌تر شدن چرخه معیوب توسعه‌نیافتگی و تحکیم حلقه‌های وابستگی اقتصادی به قدرت‌های بزرگ اقتصادی و تشدید استثمار و بهره‌کشی و تداوم مناسبات فرادستی - فرودستی در ارتباط با بیگانگان. آشکار است که چنین شرایطی با اصل استقلال، منافع و امنیت ملی کشور مغایر و ناسازگار ارزیابی می‌شود (کریمی‌مله و بابایی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۹).

توسعه اقتصادی بر مبنای الگوی مصرف‌گرایی در نظام سرمایه‌داری، نسخه‌ای است که غرب برای اقتصاد خود پیچیده است و برای اینکه بتواند کشورهای در حال توسعه را نیز به صورت بازاری برای مازاد محصولات تولیدی خود درآورد و آنان را به خرید این کالاها تشویق کند، چاره‌ای نمی‌بیند جز آنکه مصرف‌گرایی را به صورت ارزش برای آنان درآورد. در بینش اسلامی، مصرف‌گرایی و رفاه‌زدگی موجب هلاکت فرد و جامعه است (ر.ک: اسراء: ۱۶)؛ زیرا چنین رویه‌ای موجب عدم قناعت و حریص شدن انسان می‌شود و در نتیجه، انسان حریص به افراط در کسب مال می‌پردازد. چنین شخصی به علت عدم اعتقاد به حکمت الهی در روزی بندگان، در بروز مشکلات اقتصادی، معترض و نآرام است. در مقابل، قناعت در مصرف و کم‌هزینه بودن، باعث آرامش، سعادت و خوشبختی است. امیرمؤمنان علیؑ مؤمن واقعی را کسی می‌داند که بهره‌مندی‌اش از تمتعات دنیایی اندک، و منفعت او برای دیگران زیاد است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۴۱). رواج مصرف‌گرایی موجب عدم تخصیص بهینه منابع می‌شود؛ چراکه بخشی از منابع جامعه به تولید کالاهای لوکس اختصاص می‌یابد (ایروانی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۵). این رویه مانع از حرکت منابع مازاد به سمت تولیدات مولد و ضروری می‌شود. بنابراین، اقتصاد ایران در یک نگاه کلی دچار بسیاری از آسیب‌های شش‌گانه قبلی است.

۳. راهبردهای اقتصاد مقاومتی در تحقق ثبات و

امنیت اقتصادی

چنان‌که ذکر شد، یکی از نقاط برجسته در تبیین آسیب‌پذیری‌های

اقتصادی در رویکرد اسلامی، توجه به فرهنگ اقتصادی است. اسلام تلاش می‌کند برای شکل گرفتن اقتصادی باثبات و ایمن، فرهنگ اقتصادی را به سمت فرهنگ اقتصادی مطلوب - که همان فرهنگ جهادی است - سوق دهد. فرهنگ صحیح تولید و مصرف می‌توانند نقش مهمی در ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی کشور ایفا کنند. قوانین اقتصادی نیز نقش اساسی در ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی دارند. این قوانین از طریق حفظ حقوق مالکیت، ترسیم خطوط قرمز در تولید و مصرف، و جلوگیری از انحراف در کاهش توازن اجتماعی، بر کاهش بی‌ثباتی و ناامنی اقتصادی مؤثرند. مقاوم‌سازی ساختارهای مدیریت کلان اقتصادی، بازرگانی داخلی، تجارت خارجی، محیط کسب‌وکار، تأمین مالی و تأمین اجتماعی، و در یک کلام ساختارهای اقتصادی، نقش مؤثری در ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی دارند. بنابراین می‌توان گفت که اصلاح فرهنگ تولید، اصلاح فرهنگ مصرف، اصلاح قوانین و اصلاح ساختارها، راهبردهای کلی اقتصاد مقاومتی در تحقق ثبات و امنیت اقتصادی می‌باشند. در این تحقیق به برخی از این راهبردها اشاره می‌شود.

۳-۱. اصلاح فرهنگ تولید

با تجزیه و تحلیل سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، می‌توان راهبردهای مولد و پیشرو، درون‌زا و برون‌گرا و دانش‌بنیان بودن را برای متحول کردن ساختار تولید کشور در جهت تقویت تولید ملی و ایجاد ثبات و امنیت اقتصاد کشور به دست آورد. همچنین اقتصاد مقاومتی در حوزه رفتار تولیدی، الگوهای رفتاری را ترویج می‌کند که مانع از آسیب‌پذیری ثبات و امنیت اقتصادی جامعه شود. الگوی کسب درآمد و تولید در اقتصاد مقاومتی، از طرفی مستلزم ترویج پرکاری و تلاش مضاعف، و از طرف دیگر نیازمند ترویج تولید نافع و طیب است.

الف) مولد و پیشرو بودن

اقتصاد مقاومتی اقتصادی مولد و پیشرو است. مولد و پیشرو بودن اقتصاد مقاومتی، به معنای سرعت بالای رشد اقتصادی و افزایش تولید ملی است.

محققان اقتصادی برای اهمیت افزایش تولید ملی، آثار زیادی

همچون افزایش موجودی کالا در اقتصاد، کاهش تورم و وابستگی

ج) درون‌زایی در عین برون‌گرایی

اقتصاد مقاومتی اقتصادی درون‌زا و در عین حال برون‌گراست. درون‌زایی به معنای استفاده از ظرفیت‌های درونی اقتصاد داخلی به منظور تولید ثروت و ارزش افزوده اقتصادی است. برون‌گرایی نیز به معنای استفاده از ظرفیت تعامل با سایر کشورها برای ارتقای اقتصاد داخلی و تقویت منافع اقتصادی کشور است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرماید:

این اقتصاد درون‌زاست؛ یعنی از دل ظرفیت‌های کشور و مردم می‌جوید. رشد این نهال به امکانات کشور متکی است؛ اما اقتصاد مقاومتی درون‌گرا نیست؛ یعنی اقتصاد کشور، محدود و محصور داخل کشور نمی‌شود. این اقتصاد با اقتصاد جهانی تعامل دارد و با قدرت با آنها روبه‌رو می‌شود. پس اقتصاد مقاومتی درون‌زاست، ولی درون‌گرا نیست (بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۱/۱).

درون‌زایی و توانمندی کشور در خلق ارزش اقتصادی درون کشور باعث کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در مقابل شوک‌های اقتصادی داخلی و خارجی می‌شود. برون‌گرایی اقتصادی نیز می‌تواند با فعال کردن ظرفیت تعامل با خارج به افزایش توانمندی اقتصاد داخلی کمک کند. مشارکت در اقتصاد جهانی و در اختیار داشتن سهم درخور توجه در بازار جهانی، نه تنها با افزایش عواید اقتصاد ملی به تأمین هدف استقلال و ثبات اقتصادی کمک می‌کند، بلکه با درگیر کردن منافع سایر کشورها در مبادلات چندجانبه به‌عنوان عامل تثبیت‌کننده عمل می‌کند؛ گذشته از آن که تعامل با بازار جهانی و افزایش حجم صادرات کشور، عامل مهمی در نشان دادن پیشرفت و اقتدار کشور و ابزاری برای پیگیری اهداف فرهنگی و سیاسی است.

د) پرکاری و تلاش مضاعف

اسلام به کار و اشتغال اهمیت زیادی داده و از بیکاری به‌شدت نکوهش کرده است. ارزش کار و تلاش در فرهنگ اسلامی به اندازه‌ای است که جهد و تلاش امام محمدباقر^ع در مزرعه خود در شدت گرما، سبب تعجب و اعتراض فردی از اهالی مدینه شد. وی از روی اعتراض گفت: اگر در این حالت اجلت فرا رسد، چه خواهی کرد؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: اگر در این حالت مرگم فرا رسد، در حال اطاعت خدا دیده از جهان فرو خواهم بست و با این کار، خود و خانواده‌ام

به کالاهای خارجی، کاهش نیاز به ارز، افزایش درآمدهای دولت، و افزایش اشتغال و درآمد را ذکر کرده‌اند (عبدالملکی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۶). مولد و پیشرو بودن در مراحل اولیه، مستلزم بالا بودن نرخ رشد و تحقق نوعی جهش اقتصادی است. تأکید بر نرخ رشد بالای اقتصادی در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی، حاکی از اهمیت سرعت در رشد اقتصادی است. برخی از کارشناسان اقتصادی، اهمیت نرخ‌های رشد اقتصادی بالا در مراحل اولیه توسعه اقتصادی را به ضرورت و اهمیت شتاب بالا در مراحل اولیه پرواز هواپیما تشبیه می‌کنند (قره‌باغیان، ۱۳۷۲، ص ۲۱۲). تحقق نرخ‌های رشد بالای اقتصادی در یک اقتصاد مولد و پیشرو، مستلزم ایجاد شرایط و زمینه‌های لازم، از جمله افزایش بهبود پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، خلاقیت و کارایی نیروی کار و همچنین شکل‌گیری زمینه مساعد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

ب) دانش‌بنیانی

در تعریف اقتصاد دانش‌بنیان می‌توان گفت: اقتصادی است که به صورت مستقیم بر پایه تولید، انتشار و بهره‌برداری از دانش بنا نهاده شده است (انصاری، ۱۳۹۱، ص ۷۰).

شرکت‌های دانش‌بنیان و صنایع مبتنی بر فناوری‌های راهبردی، در مقایسه با شرکت‌ها و صنایع سنتی ویژگی‌های خاصی دارند؛ از جمله اینکه نسبت نیروهای متخصص به کل کارکنان در آنها زیاد است؛ دانشگاه‌ها در مدیریت و راهبری آنها مشارکت بیشتری دارند؛ تغییرات فناوری در آنها نسبت به صنایع سنتی زیادتر است؛ تحقیق و توسعه بیشتری در آنها انجام می‌شود؛ توسعه صنعت بیشتر متکی بر توسعه فناوری است، نه بر سرمایه و سخت‌افزار؛ مزیت رقابتی آنها نوآوری در فناوری است و بازارهای جدید را به‌سرعت تسخیر می‌کنند (اللهیاری‌فرد و عباسی، ۱۳۹۰، ص ۴۸). هدف از اقتصاد دانش‌بنیان، انتقال ساختار کلان اقتصادی کشور از اقتصاد منابع‌محور (تک‌محصول، خام‌فروش و وابسته به نفت)، به اقتصاد دانش‌بنیان به‌منظور ایمن‌سازی در مقابل آسیب‌های اقتصادی، و تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی است. اقتصاد دانش‌بنیان با توجه به ویژگی‌های خود و پویایی و تطبیق با شرایط محیط پیرامونی و انعطاف‌پذیری بالا، ظرفیت مناسبی برای رویارویی با شرایط تحریم و مواجهه با شوک‌های خارجی دارد (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۷) و می‌توان به کمک آن، ثبات و امنیت اقتصادی کشور را تضمین کرد.

را از تو و دیگران بی‌نیاز می‌کنم (جرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵ ص ۷۳). بنابراین جامعه‌ای می‌تواند به عزت و سربلندی برسد که نخست، استعدادهای درونی خود را کاملاً بشناسد و دوم، با اعتماد به نفس و توکل به خداوند متعال، از تمام ظرفیت‌های خود در راستای عملی شدن اقتصاد مقاومتی بهره‌بردار و با انجام این امور است که طبق وعده خداوند، آثار و برکات تلاش و مقاومت ظاهر خواهد شد. بدیهی است در چنین شرایطی ثبات و امنیت اقتصادی ارتقا خواهد یافت؛ زیرا در این صورت، جامعه با کسب استقلال اقتصادی نیازمند بیگانگان نیست و به هنگام تحریم و فشار اقتصادی مجبور به سازش و زیرپا گذاشتن عزت و استقلال خود نخواهد بود (خلیلیان، ۱۳۹۵، ص ۱۷۴).

الف) مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر
قرآن کریم یکی از ویژگی‌های امت اسلامی و قوام و پایداری اقتصاد آن را دوری از اسراف و تبذیر در هزینه‌ها می‌داند: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷).

بنابراین در اصلاح فرهنگ مصرف، بر مصرف در حد کفاف، پرکاری در تولید و انفاق مازاد درآمد تأکید می‌شود. در این الگوی تعادلی، انسان مسلمان با مصرف در حد کفاف و پرهیز از اسراف و تبذیر، به انفاق مازاد درآمد خود می‌پردازد. شیوه مذکور سبب می‌شود تا مصارف تجملاتی از جامعه حذف و با انتقال مازاد درآمد به گروه‌های کم‌درآمد، مطلوبیت دنیوی فقرا حداکثر شود. از طرف دیگر، در سطح کلان نیز با کاهش مصرف فرد مسلمان به حد کفاف و انفاق مازاد درآمد، اشتغال در جامعه بیشتر، می‌شود و تولید کل افزایش و مصرف کل در حد کفاف کاهش می‌یابد (میرمعزی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵)؛ در نتیجه جامعه از قدرت بالایی در برخورد با آسیب‌های اقتصادی برخوردار می‌گردد.

ب) مصرف کالای داخلی
اسلام اهمیت زیادی به استقلال جامعه اسلامی می‌دهد. یکی از لوازم حفظ استقلال اقتصادی جامعه و کمک به افزایش ثبات و امنیت اقتصادی آن، مصرف کالاهای داخلی است. بی‌توجهی به مصرف تولیدات ملی و گسترش مصرف کالاهای خارجی، اثرات منفی و مخرب بسیاری، همچون شکوفا نشدن استعدادها، احساس حقارت و خودکم‌بینی، خودفراموشی یا از دست رفتن فرهنگ خودی (تهاجم فرهنگی)، و برده شدن جامعه وابسته را در پی دارد (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۲۰۰).

مصرف تولیدات ملی و اهمیت دادن به تأثیرات بسیار مهم آن در یک جامعه، دارای فواید بسیاری است. از آن جمله می‌توان به افزایش سرمایه‌گذاری و به تبع آن اشتغال‌زایی بیشتر، کمک به بخش

و) تولید طیب

در سبک زندگی اقتصادی اسلامی، کار و تلاشی مطلوب است که در راستای تولید نافع و طیب قرار گیرد. دستیابی به تولید طیب، مستلزم طیب بودن کالا و خدمات، طیب بودن عوامل تولید و طیب بودن شیوه تولید است. طیب بودن محصول تولیدی مستلزم پاکیزه و حلال بودن کالاهای تولیدی، کیفیت مقبول، و مضر نبودن در دو جنبه مادی و معنوی است. شیوه تولید نیز باید طیب باشد. طیب بودن شیوه تولید، ناظر به این است که در فرایند تولید، تعدی و تجاوزی به منابع طبیعی، حقوق انسانی و حقوق الهی صورت نگیرد. همچنین تأکید قرآن بر طیب بودن انسان و سرمایه و تشویق انسان به بهره‌مندی از رزق حلال، بیانگر طیب بودن عوامل تولید است (حقیقی و خلیلیان، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵). یکی از لوازم تولید طیب، رعایت بهره‌وری در تولید و عدم اتلاف منابع است. در بند سوم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، به «محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد» توجه شده است.

۳-۲. اصلاح فرهنگ مصرف

اصلاح الگوی مصرف و مدیریت آن یکی از موارد مهم در جهت پیشبرد اهداف اقتصادی جوامع و یکی از اصول بااهمیت اقتصاد مقاومتی محسوب می‌شود که به معنای نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است و سبب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها می‌شود و زمینه را برای گسترش عدالت فراهم می‌کند. در اقتصاد مقاومتی، به منظور تحقق ثبات و امنیت اقتصادی،

و تجملی است. در این راستا، تأکید سیاست‌های مالی، پولی و تجاری دولت باید بر تأمین نیازها، صادرات و تشکیل سرمایه باشد. حمایت از کشاورزی و توسعه روستایی و صنایع کوچک جزئی، نقش مهمی را در تشویق برای تهیه کالاهای مورد نیاز و صادرات ایفا می‌کند. بازسازی نظام بانکی که مطابق با اصول اسلامی باشد نیز عنصری برای مجموعه کامل اصلاحات است (چپرا، ۱۳۸۵، ص ۴۵۵).

ب) ثبات قوانین و سیاست‌های اقتصادی همراه با انعطاف‌پذیری آن

همان‌گونه که فقدان قانون موجب بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اقتصاد می‌شود؛ تغییر و تحول مداوم قوانین و مقررات نیز آسیب‌زاست. سرمایه‌گذار باید اطمینان حاصل کند که قوانین و قواعدی برای حراست از سرمایه‌های او وجود دارد و مسئولان اقتصادی کشور نیز با تمام امکانات، سعی در اجرای آنها دارند. با این نگرش، همان‌طور که وجود قانون یکی از ضرورت‌های برقراری امنیت اقتصادی و یکی از پایه‌ها و ستون‌های اصلی آن است، ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی نیز از عوامل مهم در ثبات اقتصادی هستند. نوسانات و تغییرات پی‌درپی سیاست‌های اقتصادی، مقررات و قوانین پولی، مالی و سرمایه‌گذاری، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند و سرمایه‌گذار چشم‌انداز درستی از آینده نخواهد داشت و این باعث کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد می‌گردد. قوانین و مقررات، هرچه کمتر دستخوش تغییرات آنی قرار گیرند، اطمینان بیشتری را برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کنند و ثبات اقتصادی را ارتقا می‌دهند. بنابراین ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی، مستلزم تدوین دقیق قوانین، توجه به لزوم انعطاف‌پذیری قوانین در مواجهه با شرایط غیرمترقبه، و پرهیز از تغییر و تحول مداوم آنهاست.

۳-۴. اصلاح ساختارهای سازمان‌دهی اقتصادی

هرچند وضع قوانین مناسب، شرط لازم تحقق ثبات و امنیت اقتصادی است، ولی شرط کافی آن نیست. در عمل، بسیاری از قوانین خوب در مرحله اجرا به واسطه وجود ساختارهای سازمانی نامناسب با مشکل مواجه می‌شوند. برای نمونه، وجود ساختار اقتصاد بوروکراتیک دولتی، رانتی و نفتی موجب شکل‌گیری گروه‌های فشار در مقابل سیاست‌ها و قوانین اقتصاد مقاومتی می‌شود و مانع از

تولید ملی، عزتمندی و رفاه بیشتر، پایین آمدن میزان فساد و مشکلات اجتماعی و ده‌ها مورد دیگر اشاره کرد. این مسئله موجب می‌گردد، شاهد رونق اقتصادی در بخش‌های مختلف جامعه باشیم. رونق اقتصادی نیز با کنترل تورم، کاهش بیکاری و افزایش رشد اقتصادی، زمینه ثبات و امنیت اقتصادی را فراهم می‌کند.

در بند هشتم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، بر لزوم «مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید» تأکید شده است.

۳-۳. اصلاح قوانین

قوانین اقتصادی نقشی اساسی در ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی دارند. در این زمینه دو جهت‌گیری کلی موردنیاز است: اول، در بسیاری از موارد وجود خلأهای قانونی موجب آسیب‌پذیری اقتصاد شده است؛ برای نمونه، نبود قوانین جامع در زمینه مقابله با قاچاق کالا و ارز می‌تواند باعث آسیب‌پذیری تولیدات داخلی شود. در این راستا، تکمیل و اصلاح قوانین برای حفظ حقوق مالکیت و ترسیم خطوط قرمز در تولید و مصرف، اهمیت زیادی دارد. دوم، تعدد و بی‌ثباتی قوانین ممکن است باعث افزایش آسیب‌پذیری‌ها شود.

الف) پرکردن خلأها و ناسازگاری‌های قانونی

فقدان قوانین اقتصادی مناسب می‌تواند زمینه آسیب‌پذیری اقتصادی را از جهات مختلف فراهم کند. برای پرکردن خلأهای قانونی، برداشتن دو گام «شناسایی نقاط خلأ» و همچنین «پیشنهاد قوانین مناسب» ضروری است. برای نمونه، وجود برخی خلأهای قانونی در زمینه مقابله با قاچاق کالاهای خارجی، نه تنها باعث صدمه زدن به محصولات داخلی می‌شود، بلکه باعث کاهش درآمدهای دولت از محل عوارض واردات و همچنین ایجاد سودهای بادآورده برای فعالان در این عرصه می‌شود.

در بحث اصلاح قوانین باید به موضوع شفافیت قوانین اقتصادی و ترسیم دقیق خطوط الزامی و ترجیحی در فعالیت‌های اقتصادی توجه شود. اصلاح قوانین در راستای اقتصاد مقاومتی، مستلزم لغو تمامی امتیازات و کمک‌های آشکار و پنهان به تولید و مصرف ناسازگار با اقتصاد مقاومتی، از جمله تولید و مصرف کالاهای لوکس

تحقق ثبات و امنیت اقتصادی است.

مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می‌باشد.

در فرایند مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی، اصلاح و بهبود ساختار مدیریت کلان اقتصادی، فضای کسب‌وکار، ساختار بازرگانی داخلی و تجارت خارجی و ساختار تأمین مالی و تأمین اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردارند.

الف) اصلاح ساختار کلان اقتصادی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران برای تحقق اهداف خود در زمینه ثبات و امنیت، وابستگی مخرب اقتصاد کشور به عواید نفتی است که اقتصاد ایران را در مقابل ضربه‌های داخلی و خارجی بسیار آسیب‌پذیر نموده است. نفت به‌عنوان مهم‌ترین تأمین‌کننده منابع ارزی کشور، منابع درآمد دولت و تولید ناخالص داخلی (مستقیم و غیرمستقیم) و رفاه خانوارهای کشور، نقش اساسی در اقتصاد کشور ایفا نموده و به تدریج ساختارهای اقتصاد کشور، هم در بخش دولتی و هم در بخش غیردولتی، به درآمدها و رانت نفت وابسته گردیده است. آسیب‌های وابستگی‌های مخرب به نفت، تنها محدود به حوزه اقتصاد نشده و ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور را نیز مورد آسیب قرار داده است.

درآمدهای دولت، به علت اتکا به درآمدهای نفت که متأثر از نوسانات جهانی است و نیز به علت تأثیر غیرمستقیم درآمدهای ارزی حاصل از نفت بر درآمدهای مالیاتی، دچار بی‌ثباتی زیادی است (بیدآباد، ۱۳۷۳، ص ۴۶).

راه مطمئن‌رهایی از وابستگی مخرب به درآمدهای نفتی، شکوفاسازی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تولید ملی کشور، با مشارکت حداکثری آحاد مردم در اقتصاد می‌باشد. هرچه وابستگی ما به بودجه‌های حاصله از نفت بیشتر باشد، ضربه‌پذیری ما را در اقتصاد مقاومتی بالاتر می‌برد؛ و بالعکس با کاهش این وابستگی از طریق مردمی کردن اقتصاد، میزان مقاومت اقتصادی ما بیشتر خواهد شد.

بنابراین می‌توان گفت: مردم‌بنیانی موجب ایجاد ساختار حکمرانی سالم در اقتصاد می‌شود. در چنین ساختاری مردم و دولت به‌عنوان پیکره‌های واحد در مدیریت اقتصادی جامعه مشارکت کرده، توان واکنش مناسب در مقابل شوک‌های داخلی و خارجی را خواهند داشت.

محدودسازی اقتصاد دولتی و آزادسازی اقتصاد، از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. ثبات و امنیت اقتصادی حاصل از اقتصاد مقاومتی، نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر

ب) فسادگریزی، شفافیت اطلاعاتی و عدالت‌محوری

مبارزه مستمر و قاطع با فساد اقتصادی، نه تنها تضمین‌کننده تحقق عدالت اقتصادی است و به تحقق رشد و کارایی کمک می‌کند، بلکه لازمه شکل‌گیری اقتصادی باثبات و محیطی امن برای سرمایه‌گذاری در گرو مبارزه با فساد و شفافیت اطلاعاتی است.

فسادگریزی یکی از مشخصه‌های ساختار حکمرانی در اقتصاد مقاومتی است. از جمله لوازم فسادگریزی، وجود شفافیت اطلاعاتی در نظام اقتصادی است. شفافیت موجب می‌شود بسیاری از مفاسد اتفاق نیفتد. ایجاد شفافیت اقتصادی، امکان رانت‌جویی، گسترش اقتصاد زیرزمینی، فرار مالیاتی و فساد را به حداقل می‌رساند و به بهبود ثبات و امنیت اقتصادی کمک می‌کند (روحانی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۵).

بند نوزدهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با اشاره به اهمیت شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد، گسترش سیستم‌های اطلاعاتی و الکترونیکی را از جمله راهبردهای مهم در این زمینه می‌داند. همچنین تأکید بند نوزدهم از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر مسئله مبارزه با مفاسد اقتصادی، از آن جهت است که به ثمر نشستن تلاش‌های ملت و حاکمیت در زمینه اقتصاد، تا حد زیادی در گرو سلامت فضای عمومی اقتصاد و تنگی عرصه بر مفسدان اقتصادی است.

عدالت اقتصادی نیز به افزایش امنیت و تقویت مقاومت نظام اقتصادی کمک می‌کند. بروز فساد اقتصادی، اختکار، پولشویی، ارتشاء، اختلاس، رانت و قاچاق، به معنای گسترش ظلم اقتصادی در جامعه و ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی اقتصادی است.

ج) بهبود فضای کسب‌وکار داخلی

مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار، مجموعه عواملی هستند که به طور مشترک بر اداره و عملکرد همه بنگاه‌ها اثر می‌گذارند؛ اما خارج از کنترل مدیران بنگاه‌ها هستند. عوامل مزبور شامل مؤلفه‌هایی همچون سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار، دریافت تسهیلات، ثبات قیمت مواد اولیه، فرصت‌های بازار، درجه آزادی و رقابت اقتصادی می‌شود (سیاح، ۱۳۹۳، ص ۱).

از آنجاکه فعالان اقتصادی به طور عمده به دو عامل ریسک و

و تولید و بهبود توزیع درآمد می‌شود (چچرا، ۱۳۸۵، ص ۴۷۵). در بعد بین‌الملل نیز نظام بانکی کشور در معرض آسیب‌های ناشی از سلطه دلار بر تجارت بین‌الملل قرار دارد. حل این مشکل، مستلزم تنوع‌بخشی به ذخایر کشور، افزایش مبادلات تهاتری و همچنین افزایش مبادله بر اساس ارزهای محلی است. این ترفند می‌تواند باعث کاهش آسیب‌پذیری کشور بر اثر تکانه‌های ارزی شود (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۷).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اقتصاد مقاومتی الگویی عملیاتی از اقتصاد اسلامی است که در آن، آسیب‌ناپذیری، استحکام و امنیت نظام اقتصادی به‌عنوان هدفی محوری مورد توجه قرار می‌گیرد. این الگو برای مقابله با آسیب‌پذیری‌های درونی و بیرونی اقتصادی و تقویت انعطاف‌پذیری و مقاومت نظام اقتصادی ارائه می‌شود. نیاز به ارائه چنین الگویی در شرایط تحریم اقتصادی به‌شدت احساس می‌شود؛ با این حال، اقتصاد مقاومتی طرحی بلندمدت برای کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، حتی در صورت نبود تحریم یا شوک‌های اقتصادی برون‌زاست. بنابراین، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک اندیشه اسلامی، ناظر به تجزیه و تحلیل آسیب‌پذیری‌های اقتصاد و ترفندهای ایمن‌ساز در رویکرد اسلامی است.

در مورد ثبات اقتصادی می‌توان گفت: اقتصادی باثبات است که آسیب‌پذیری خود را در برابر شوک‌های داخلی و خارجی به حداقل برساند و بتواند راه را برای یک رشد اقتصادی پایدار باز نماید.

امنیت اقتصادی نیز بخشی از امنیت ملی یا امنیت فراگیر است. تقویت امنیت اقتصادی می‌تواند موجب تقویت امنیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شود و همچنین از تقویت آنها متأثر گردد. امنیت اقتصادی به معنای وجود و برقراری تعادل، ثبات و آرامش در عرصه‌های اقتصادی خواهد بود. در شرایط برقراری امنیت اقتصادی، فعالان اقتصادی اعم از تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و صاحبان عوامل تولید می‌توانند برنامه منظم و بلندمدتشان را برای اهداف خود و سیستم دنبال کنند.

یکی از پیش‌شرط‌های اساسی در تحقق ثبات و امنیت اقتصادی، شناسایی نقاط آسیب‌زاست. شناسایی این نقاط و چگونگی اثرگذاری آنها، زمینه طراحی سیاست‌های مناسب برای کاستن این

بازدهی هنگام راه‌انداختن یک کسب‌وکار توجه می‌کنند، بهبود فضای کسب‌وکار از طرفی مستلزم کاهش ریسک‌ها و همچنین کاهش هزینه‌های پیدا و پنهان تولید است. باید توجه داشت بهبود فضای کسب‌وکار باید در خدمت افزایش توان تولیدات نافع و طیب، و نه کالاها و خدمات لوکس، غیرطیب و غیراساسی باشد؛ در غیر این صورت، تولید این کالاها باعث افزایش آسیب‌پذیری نظام اقتصادی می‌شود.

د) اصلاح ساختار تجارت خارجی

اصلاح ساختار صادرات و واردات، ضرورتی اساسی برای ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی است. براساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، اصلاح ساختار تجارت خارجی می‌باید در راستای تقویت درون‌زایی و برون‌گرایی باشد. اعمال هم‌زمان این دو سیاست، به معنای ارتقای ایجاد ارزش افزوده تولید در داخل کشور و استفاده حداکثری از ظرفیت تجارت خارجی برای صادرات آن است.

با مرور ترکیب اقلام صادراتی کشور، مشاهده می‌شود سهم نفت در صادرات کل بالاست؛ بنابراین این امر می‌تواند به عنوان یکی از عوامل بی‌ثبات‌کننده و ناامن‌کننده اقتصاد کشور محسوب شود و زمینه را برای تشدید و تحمیل فشارهای بیرونی فراهم آورد. در پی تحریم نفتی ایران، درآمدهای ارزی دولت به‌شدت کاهش یافت؛ نرخ ارز بالا رفت و به‌تبع آن از میزان واردات، بخصوص واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه، کاسته شد. نتیجه این امر تحقق رکود تورمی (افزایش هم‌زمان تورم و بیکاری) و کاهش نرخ رشد اقتصادی کشور بود. از این رو، افزایش صادرات یکی از مؤثرترین راه‌های ایجاد اشتغال و بالا رفتن رشد اقتصادی است و با فاصله گرفتن از تمرکز بر صادرات کالاهای خاص، به‌ویژه مواد خامی همچون نفت، از میزان آسیب‌پذیری تجارت خارجی کاسته می‌شود.

و) اصلاح ساختار نظام پولی و مالی

بخش پولی در اقتصاد مقاومتی هنگامی در برابر آسیب‌پذیری‌ها مقاوم است و می‌تواند موجب ثبات و امنیت اقتصاد کشور بشود که به اصول مالیه و بانکداری اسلامی، از جمله حذف ربا، قمار و غرر پایبند باشد. این امر مستلزم فاصله گرفتن از تأمین مالی بدهی‌محور و رفتن به سمت تأمین مالی دارایی‌محور است (بنارضوی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۵). چنین ساختاری موجب قوت گرفتن بنگاه‌های کوچک، افزایش اشتغال

آسیب‌پذیری‌ها را فراهم می‌کند.

به‌طور کلی، وابستگی اقتصادی، بوروکراسی کند اداری، عدم شفافیت اطلاعاتی، بیکاری، کم‌کاری و تورم، ضعف ساختار مالیاتی، واردات بی‌رویه و رواج روحیه مصرف‌زدگی، از جمله موانع درونی ثبات و امنیت اقتصاد کشور هستند.

راهبردهای اقتصاد مقاومتی برای تحقق ثبات و امنیت اقتصادی عبارتند از: سبک زندگی اقتصادی اسلامی (اصلاح فرهنگ تولید و مصرف)، اصلاح قوانین، و اصلاح ساختارهای سازمان‌دهی اقتصادی.

سبک زندگی اقتصادی اسلامی، از آن جهت به ثبات و امنیت اقتصادی کمک می‌نماید که به واسطه افزایش تولید و کنترل مصرف، زمینه مشارکت مردم و دولت را در فقرزدایی فراهم می‌آورد. رواج سبک زندگی اقتصادی اسلامی منجر به تأمین هم‌زمان کارایی، عدالت و امنیت اقتصادی می‌شود؛ زیرا ترویج ارزش‌های پرکاری، تولید طیب و نافع، قناعت و انفاق، از طرفی موجب افزایش کارایی به‌واسطه تولید کالاها و خدمات نافع و طیب و کاهش اتلاف منابع می‌شود و از سوی دیگر، به واسطه کنترل مصرف در سطح کفاف و انتقال مازاد درآمد از طریق انفاق در راه خدا، به تحقق عدالت کمک می‌کند. همچنین این سبک زندگی به‌واسطه درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی اسلام، منجر به کاهش هزینه‌های دولتی، هم در سطح نظارت بر اجرای قوانین و هم در سطح مشارکت مردم در تأمین کالاهای عمومی و فقرزدایی می‌شود.

برنامه‌ریزی برای اصلاح فرهنگ، زمانی موفق خواهد بود که قوانین به‌عنوان قواعد رسمی رفتار نیز از فرهنگ صحیح اقتصادی حمایت کنند. این امر از طرفی مستلزم پرکردن خالهای قانونی و ایجاد شفافیت قانونی، و از سوی دیگر نیازمند ثبات و در عین حال انعطاف‌پذیری قوانین اقتصادی است.

اصلاح ساختارهای اقتصادی نیز کارکردی اساسی در ایجاد ثبات و امنیت اقتصادی دارد. برای تحقق این امر، اصلاح ساختارهای کلان اقتصادی، شکل‌گیری تحول در ساختارهای نظارتی، ساختار تجارت داخلی و خارجی، و ساختار نظام پولی و مالی، ضروری است.

منابع.....

- انصاری، رضا، ۱۳۹۱، «ارزیابی موقعیت اقتصاد دانش‌بنیان ایران با کشورهای منطقه بر اساس متدولوژی ارزیابی بانک جهانی»، *بررسی‌های بازرگانی*، سال دهم، ش ۵۷، ص ۸۱-۶۹.
- ایروانی، جواد، ۱۳۸۴، *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- بنارضوی، مهدی، ۱۳۷۶، *طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- بیدآباد، بیژن، ۱۳۷۳، «یک دهه تحولات نظام بانکی در ایران»، *مجلس و پژوهش*، سال دوم، ش ۹، ص ۱۵-۵۲.
- پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، *مبانی اقتصاد اسلامی*، چ سوم، تهران، سمت.
- پیغامی، عادل، مصطفی سمیعی‌نسب و یاسر سلیمانی، ۱۳۹۴ الف، *جستارهایی در اقتصاد مقاومتی: تحریم‌های اقتصادی ایران؛ مبانی، ابعاد و راهکارها*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- پیغامی، عادل، مصطفی سمیعی‌نسب و یاسر سلیمانی، ۱۳۹۴ ب، *جستارهایی در اقتصاد مقاومتی: مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف؛ مبادی علمی و نظری*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۵، *خاکریز اقتصادی: خوانشی بر اقتصاد مقاومتی*، تهران، کانون اندیشه جوان.
- چیرا، محمدعمر، ۱۳۸۵، *اسلام و چالش اقتصادی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حرعاملی، محمدبن‌حسن، ۱۴۰۹ ق، *وسائل‌الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حقیقی، نادر و محمدجمال خلیلیان اشکنزی، ۱۳۹۴، «معیارهای تولید مطلوب در اقتصاد اسلامی»، *معرفت*، ش ۲۱۳، ص ۱۰۷-۱۲۲.
- خلیلیان‌اشکنزی، محمدجمال، ۱۳۹۵، «اقتصاد مقاومتی؛ تضمین‌کننده امنیت اقتصادی»، *پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی*، سال اول، ش ۱، ص ۱۴۴-۱۶۸.
- دلیری، حسن، ۱۳۹۲، *شناسایی عوامل محدودکننده و ناقض حقوق مالکیت*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۸، *سرطان اجتماعی فساد*، چ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رنانی، محسن، ۱۳۷۶، *بازار یا نابسازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران*، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- روحانی، سیدعلی و همکاران، ۱۳۹۳، *شاخص‌های ارزیابی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی*، دفتر مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۴۱۴۸.
- زارعشاهی، علی، ۱۳۷۹، «بی‌ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی؛ و تأثیر آن بر عوامل تولید در ایران»، *مطالعات راهبردی*، ش ۸۷، ص ۲۲۱-۲۴۲.
- سلطانی، سیدناصر، ۱۳۹۳، «علل نافرجامی تدوین و تقیح قوانین در ایران»، *پژوهش حقوق عمومی*، ش ۴۵، ص ۱۳۱-۱۶۴.
- سن، آمارتیا، ۱۳۸۷، *چرا فرهنگ اهمیت دارد؟ در فرهنگ و کنش عمومی*،

- نوشته وچندرا رائو و مایکل والتون، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سیاح، سیدامیر، ۱۳۹۳، *ارزیابی محیط کسب و کار به روش واحد اطلاعات اکونومیست: به همراه چشم انداز محیط کسب و کار ایران از نگاه این مؤسسه*، معاونت پژوهش های اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ش ۱۲۲۹۲.
- سیف، اله مراد، ۱۳۹۱، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، *آفاق امنیت*، سال پنجم، ش ۶ ص ۲۲-۵.
- سیف، سجاد، ۱۳۹۳، «مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۱۰، ص ۱۵۱-۱۷۳.
- عبدالملکی، حجت الله، ۱۳۹۳، *اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی، سیاست ها و برنامه عمل*، تهران، بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- عزتی، مرتضی و محمدعلی دهقان، ۱۳۸۷، *امنیت اقتصادی در ایران*، تهران، مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- قرهباغیان، مرتضی، ۱۳۷۲، *اقتصاد رشد و توسعه*، تهران، نشر نی.
- کاظمی، مهدی، ۱۳۷۹، *بررسی نظام اداری ایران و نقش آن در توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸-۱۳۶۸)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی.
- کریمی مله، علی و اکبر بابایی، ۱۳۹۲، *امنیت ملی از منظر امام خمینی (ع)*، چ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۳۹ق، *الکافی*، قم، دارالحدیث.
- اللهیاری فرد، نجف و رسول عباسی، ۱۳۹۰، «بررسی الگوی مناسب ساختار سازمانی شرکت های دانش بنیان»، *رشد فناوری اطلاعات*، ش ۲۹، ص ۴۷-۵۴.
- مالگیری، احمد، ۱۳۹۳، *درباره سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی؛ ثبات قوانین*، تهران، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۳۶۷۰.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۲، *انقلاب اسلامی و ریشه های آن*، تدوین و نگارش قاسم شبان نیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- میرمحمدی، سیدمحمد، ۱۳۸۶، *آمایش سرزمین و ملاحظات امنیت اقتصادی*، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۸۷، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، چ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نقی زاده، محمد، ۱۳۶۶، *زاین و سیاست های امنیت اقتصادی آن*، تهران، نگارش.